

فضایل و مناقب علی (ع) در حدیقه الحقیقه سنایی

* خدابخش اسداللهی

** بهنام فتحی

*** رامین محرمی

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳]

چکیده

بی تردید علی (ع) از شخصیت‌های بزرگ اسلامی است که همواره شیعه و سنی به جایگاه والای وی اعتراف کرده‌اند. سنایی از شاعران مسلمانی است که در ارائه فضایل و مناقب دینی، اخلاقی و عرفانی آن حضرت سنگ تمام گذاشته است که از اعتقاد راسخ وی به علی (ع) حکایت دارد. می‌توان گفت سنایی جزو اولین شاعرانی است که از شعر خود برای ترویج مباحث اعتقادی استفاده می‌کند. ویژگی‌ها و فضیلت‌های علی (ع) که در آیات، احادیث و اشارات تاریخی آمده، در لابه‌لای اشعار وی نمایان است. طبق اشعار حدیقه الحقیقه، علی (ع) با مؤلفه‌هایی نظیر عبادت، توحید و جهاد در راه خدا به خداوند تقرب می‌جوید. آن حضرت به دلیل آراستگی به فضایی نظیر جود و بخشش، قناعت، شجاعت، علم، اعتدال و دوری از رذائلی مانند طمع و خشم، هم در دوران زمامداری و هم غیر آن، بهترین الگوی اخلاق معرفی می‌شود. اگرچه سنایی علی (ع) را پس از سه خلیفه ستوده است، به‌واسطه خویشاوندی با خاندان نبوت و نیز برخی ویژگی‌های خارق‌العاده و برجسته، اکرام و احترام آن حضرت را واجب‌تر دانسته و توانسته پیوندی ملموس بین راه علی (ع) و راه نبوت ایجاد کند، به طوری که می‌تواند نمونه و الگوی یک انسان کامل، هم در دنیا و هم در روز قیامت، برای مسلمانان و سایر انسان‌ها باشد. نهایت اینکه سنایی علی (ع) را امامی دینی، مرادی عرفانی و سخنوری عجاب‌انگیز برای خود و دیگران معرفی کرده است.

کلیدواژه‌ها: فضایل، امامت، جانشینی پیامبر اکرم (ص)، حدیقه الحقیقه سنایی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) asadollahi@uma.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی fathibehnam1363@gmail.com

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی moharami@uma.ac.ir

مقدمه

در طول تاریخ زبان فارسی، شاعران و نویسندگان آزاده بسیاری، چه شیعه و چه سنی، علی (ع) را ستوده و به اوصاف و فضایل آن حضرت اشاره کرده‌اند. یکی از این شاعران که برخی از صاحب‌نظران او را سنی و برخی شیعه معرفی می‌کنند (صفا، ۱۳۶۹: ۵۵۹/۲)، سنایی غزنوی است که بسیاری از ویژگی‌ها و فضیلت‌های آن حضرت را توأم با نکته‌سنجی، فصاحت و بلاغت در لابه‌لای آثار خود، به‌ویژه *حدیقه الحقیقه*، ذکر کرده است. سنایی در ستایش امیرمؤمنان علی (ع) اشعاری در دیوان و مثنوی *حدیقه* دارد؛ «فرایند کلام سنایی درباره مولا علی (ع) و اوصاف گوناگون او در این باره به طور پراکنده در دیوانش در ۵۱ بیت مشهود است» (حسینی کازرونی، ۱۳۷۹: ۵۳). در مثنوی *حدیقه* نیز حدود ۱۳۰ (بر اساس تصحیح مریم حسینی) تا ۱۸۰ بیت (بر اساس تصحیح مدرس رضوی) در ستایش امام علی (ع) وجود دارد.

حدیقه سنایی از منظومه‌های مهم عرفانی به زبان فارسی است که راهنمای عطار و مولوی در سرودن منظومه‌هایی همچون *منطق‌الطیر* و *مثنوی معنوی* بوده است؛ اما عواملی نظیر اختلال نسخه‌ها باعث کم‌توجهی به *حدیقه* و مهجور ماندنش شده است. طبق قرائن، سنایی برای منظوره‌های جداگانه دو تحریر مختلف از *حدیقه* تهیه کرده بوده که دست‌کم حدود پنج‌هزار بیت و حداکثر بیش از ده‌هزار بیت داشته است. در نسخه کوتاه‌تر، سنایی مدح ائمه اطهار (ع)، به‌ویژه علی (ع) و امام حسین (ع)، را مختصر بیان می‌کند؛ به نظر می‌رسد سنایی در اواخر عمر خود، حوصله ستیز و درگیری با افراد متعصب را نداشته و با وجود جای دادن عشق علی (ع) و خاندانش در عمق جان خود، از تفصیل ستایش آن حضرت خودداری کرده است. در تحقیق حاضر از تحریر مفصل‌تر سنایی از *حدیقه* — که نسخه مدرس رضوی (دارای حدود ۱۱۵۰۰ بیت) نیز بر اساس آن تهیه شده — بیشتر استفاده شده است. این تحریر که اشعارش در ستایش علی (ع) بیش از تحریر دیگر است، گرایش سنایی به امامت و جانشینی آن حضرت پس از پیامبر اکرم (ص) را نشان می‌دهد.

در دوره سنایی، مذهب شیعه اثناعشری در کنار مذاهب دیگر، نظیر اشعری، حنفی و اسماعیلی از مذاهب قدرتمند و روبه‌رشد بوده است. بخشی از معتقداتی که وی در آثار خود، به‌خصوص حدیقه و گاهی دیوان، بیان می‌کند، بر اساس مذهب شیعه است؛ البته وی در این دوره که دوره غلبه اشاعره و سخت‌گیری‌های مذهبی آنان بر شیعه، به‌ویژه اسماعیلیه، است، به شیعه علی (ع) بودن متهم بوده است (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۲۰).
در ادامه برخی از صفات و فضایل علی (ع) را که سنایی بر اساس آیات، احادیث و وقایع تاریخی در حدیقه الحقیقه آورده را بررسی می‌کنیم.

۱. اوصاف اعتقادی

۱-۱. عبودیت

از آنجا که بندگی خدا گوهری گران‌بها است، وجهه همت مردان خدا، به‌ویژه علی (ع)، به امر سجود و جود بود، نه دنیا و مافیها:

همتش سغبه وجود نبود کار او جز سجود و جود نبود

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۲)

در عبادت عاشقانه و بسیار عمیق علی (ع) همین بس که برای جراحی و بیرون کشیدن تیر از بدن آن حضرت، منتظر می‌شدند تا به نماز صدق مشغول شود:

در اُحد میر حیدر کرار یافت زخمی قوی در آن پیکار ...
چون تو با صدق در نماز آیی با همه کام خویش باز آیی
ور تو بی صدق صد سلام کنی نیستی پخته کار خام کنی

(همان: ۱۴۰-۱۴۱)

علی (ع) به‌موجب «الاخلاصُ ملاکُ العباده» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۹/۱) اخلاص را اصل بنای عبادت می‌داند؛ به طوری که در این عبادت جز حق را نمی‌بیند. سنایی در تفسیر حدیث «لا صلوةَ إلا بحضور القلب» (فروزانفر، ۱۳۷۰: ۵) و در بیان اخلاص عبادت و نماز صادقانه علی (ع) می‌گوید:

یاد دار این سخن از آن بیدار
مرد این راه حیدر کرار
فاعبد الرب فی الصلوه تراه
ور نباشی چنین تو واغوثاه
آنچنانش پرست در کونین
که همی بینی اش به رأی العین
(سنایی، ۱۳۸۷: ۹۵)

ذات باری از آن ستم دیده
تاش نادیده ناپرستیده
(همان: ۲۵۰)

بنابراین می‌توان گفت که حضرت علی (ع) در تمام عرصه‌های زندگی مظهر کامل عبودیت الهی است (سلطان‌محمدی، سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱: ۹۷). همچنین می‌توان او را اولین عابد دنیا دانست که عبادتش زباند عام و خاص و ضرب‌المثل شده است (سیاحی، منصوری‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

۲-۱. تسلیم قلبی

سنایی تسلیم قلبی علی (ع) در برابر حق تعالی، دین اسلام و نبی اکرم (ص) را به تسلیم ابراهیم (ع) تشبیه می‌کند و معتقد است همان‌گونه که ابراهیم (ع) از روی تسلیم، پدر را فدا کرد (از او بیزاری جست) و پسرش اسماعیل (ع) را به قربانگاه برد، امیرالمؤمنین (ع) نیز از پدر — که به قولی به پیامبر اکرم (ص) ایمان نیاورد — انقطاع گزید و با سراپای وجود به پیامبر (ص) توسل و توصل جست. علی (ع) حسنین (ع) را نیز در راه خدا فدا کرد:

آن فدا کرده از ره تسلیم
هم پدر هم پسر، چو ابراهیم ...
حکم تسلیم را خلیل به شرط
درگه شرع را وکیل به شرط
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

مصطفی را مطیع و فرمان‌بر
همه بشنیده رمز دین یکسر
(همان: ۲۴۹)

ابیات بالا همچنین ممکن است اشاره باشد به این کلام علی (ع): «وَلَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) نَقْتُلُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضْضِ الْأَلْمِ وَ جِدًّا فِي جِهَادِ الْعَدُوِّ» (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۴۶) که کشتن یا فدا کردن خویشاوندان در رکاب پیامبر (ص) را موجب افزایش ایمان، تسلیم قلبی، استقامت، صبر و کوشش در جهاد می‌داند.

۱-۳. کشف قرآن

علی (ع) از حدود ده سالگی در محضر پیامبر اکرم (ص) با قرآن کریم آشنا شد و آن را فرا گرفت و تا پایان عمر پیامبر (ص)، در رأس کاتبان وحی قرار داشت. بنابراین طبیعی است که معانی باطنی و تأویل آن را بداند و با کشف اسرار کلام الهی، به علم و معرفت مربوط به دنیا و آخرت دست پیدا کند:

سرّ قرآن بخوانده بود به دل علم دو جهان ورا شده حاصل
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

راه دین است محکم تنزیل شرح آن مرتضی دهد تأویل
(همان: ۶۳۹)

قابل راز حق رزانت او مهبط وحی حق امانت او
نفس نفسش کشنده تنزیل جان جانانش چشنده تأویل
(همان: ۲۴۸)

کاتب نقش‌نامه تنزیل خازن گنج‌خانه تأویل
(همان: ۲۴۹)

عروس قرآن چون علی (ع) را عاشق و تشنه آیات زلال آن دید، خود را در برابر دیدگان بصیر آن حضرت جلوه‌گر و مکشوف کرد تا بتواند از علوم و زیبایی‌های کتاب الهی بهره‌مند شود:

لفظ قرآن چو دید درویشش خویشان جلوه کرد در پیشش

(همان: ۲۵۰)

باید گفت سنایی قرآن را عروسی می‌داند که فقط در برابر دل‌های پاک از آلودگی‌ها نقاب خود را برمی‌دارد؛ همچنین او فقط کسی را قادر به بهره‌مندی از آن می‌شمارد که چشم دلش بینا باشد:

عروس حضرت قرآن، نقاب آنکه براندازد که دارالملک ایمان را، مجرد بیند از غوغا
عجب نبود گر از قرآن، نصیبت نیست جز نقشی که از خورشید جز گرمی، نیابد چشم نابینا
(سنایی، ۱۳۸۰: ۵۲)

۴-۱. جهاد فی سبیل‌الله

در منطق دین، جنگ و جهاد دارای ماهیتی دفاعی، ایمانی و انسانی است و در زمینه جهاد در راه خدا آیاتی در قرآن وارد شده است (بقره: ۲۱۶؛ نساء: ۷۶-۷۴؛ توبه: ۲۹، ۱۲۳؛ محمد: ۴؛ حج: ۳۹-۴۰) که برخی از آنها مؤمنان را مطلقاً دعوت به جهاد و برخی نیز جنگ را به دفاع و دفع تجاوز مقید می‌کنند. در اهمیت و ارزش جهاد همین بس که علی (ع) آن را دری از درهای بهشت دانسته که خداوند آن را به روی دوستان برگزیده خود گشوده است؛ به طوری که هر که آن را واگذارد و ناخوشایند داند، خداوند جامه خواری بر تن او بپوشاند (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۲۷).

صاحب مثنوی حدیقه الحقیقه علی (ع) را مجاهدی می‌داند که با توجه به داشتن شرایط جهاد (شجاعت، فداکاری، قدرت جسمی و روحی) شایستگی سرپرستی دین اسلام را پس از نبی اکرم (ص) به دست آورد، با مخالفان دین با شمشیر فرستاده از بهشت (ذوالفقار) جنگید، با دلاوری‌های خود چاه کفر و نفاق را پر کرد و مسلمانان را از پراکندگی و تفرق نجات داد، به گونه‌ای که جبرئیل امین «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار» را در حق آن حضرت بیان کرد:

در خیبر بکند شوی بتول در دین را بدو سپرد رسول
چون توانست چاه کفر انباشت چاه دین هم نگاه داند داشت

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

هر که جستی مخالفت در دین کردی او را به زیر خاک دفین
(همان: ۲۴۹)

به دو تیغ آن هزبر دین بی‌میغ کرده اسلام را همه یک تیغ
به دو تیغ او به ذوالفقار و زبان کرده یک تیغ همچو تیر جهان ...
(همان: ۲۴۶)

آمد از سدره جبرئیل امین لافتی کرده مر ورا تلقین
ذوالفقاری که از بهشت خدای بفرستاده بود شرک‌زدای ...
مصطفی داد مرتضی را گفت که بدین آر دین برون ز نهفت
(همان: ۲۴۷)

از در کفر گل برآرنده در دین را نگاه دارنده
(همان: ۲۴۶)

۵-۱. رفع فتنه و بدعت

علی (ع) ضمن افتخار به اینکه چشم فتنه را کور کرده است (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۸۵)، به جماعت شیعه خود توصیه می‌کند که از بدعت‌گذاران دوری گزینند و آنان را دشمن سنت‌های پیامبر (ص) بدانند (حسینی مرعشی، ۱۴۰۵: ۲۰۱). سنایی با بلاغت و شیوایی خاصی موضوع سرکوبی فتنه‌هایی نظیر خوارج و انحرافات دینی و مذهبی مانند اعتقاد به حلول را مطرح می‌کند و آن را موجب جلوه‌گری و رونق گرفتن سنت پیامبر اکرم (ص) می‌داند:

سر بدعت زده به تیغ زبان روی سنت بشسته ز آب سنان
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۸)

هرکه دیدی حسام او مسلول نفسی گشتی بر او طریق حلول
(همان: ۲۴۷)

کر شده گوش فتنه از کوشش کرده فتح و ظفر زمین‌بوسش
(همان: ۲۴۶)

سنایی در جایی دیگر نیز گشوده شدن دروازه علم آن حضرت را مایه به ثمر رسیدن سنت نبوی (ص) و قهراً مانع ظهور و بروز هر گونه فتنه و بدعت می‌داند:

تا بنگشاد علم حیدر در ندهد سنت پیمبر بر

(همان: ۲۵۲)

۶-۱. شهادت‌طلبی

وقتی علی (ع) خبر شهادت خود را از پیامبر اکرم (ص) شنید، آن را موجب سپاس‌گزاری دانست (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۱۵۶)؛ زیرا بر اساس آموزه‌های مکتب نبوی (ص) مشتاق دیدار حق تعالی بود. در مقدمه *حدیقه الحقیقه* آمده است:

... سید کائنات (ص) علی (ع) را این کیمیای تعلیم کرد که یا علی، إحرص علی الموت توهب لک الحیوه. عزیزان در این مقام نفس را فدای روح کنند و از وجود دل‌سرد کنند و با خود این منادی کنند که: «فتمنوا الموت إن كنتم صادقین» (سنایی، ۱۳۸۷، ۲۰-۲۱).

نمونه دیگری از شهادت‌طلبی علی (ع) در *حدیقه* این بیت است:

گفتم ای حیدر می‌از ساغر شیران بخور گفت فتح ما ز فتح زاده ملجم بود
(سنایی، ۱۳۸۰: ۱۶۷)

در روح شهادت‌طلبی آن حضرت همین بس که چون در *أحد* شهید نشد، غصه خورد (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۱۵۶) و خود را به مرگ مأنوس‌تر از انس کودک به سینه مادرش دانست (همان: ۱۳).

۷-۱. آشنایی با سرّ توحید

خداشناسی از موضوعات مهم در سخنان علی (ع) است؛ مثلاً در *نهج البلاغه* حدود چهل نوبت از الهیات، مبدأ آفرینش، صفات و ویژگی‌های حق تعالی به گونه متنوع و اعجاب‌آمیز سخن رفته است (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۹). سنایی به تفکر و تأمل در آثار صنع و

حکمت الهی و درک و فهم عمیق علی (ع) از توحید که ملهم از قرآن کریم و در واقع تفسیری از آن است، چنین اشاره می‌کند:

سَرِّ توحید اندر این گلشن پیش جان عزیز او روشن
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

فرش توحید جان هستش بود سد اسلام تیغ و دستش بود
(همان: ۲۵۰)

۲. اوصاف برجسته

۱-۲. جود و بخشش

سَخَاوَت از فضایل حضرت علی (ع) است و آیاتی نظیر «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوة و هم راکعون» (مائده: ۵۵) که مربوط به صدقه آن حضرت به هنگام رکوع است، مشخص می‌کند که در میان صحابه، کسی سخاوتمندتر از ایشان نبوده است:

در قیام و قعود عود او کرد در رکوع و سجود جود او کرد
خاتم اینجا بداد بر در راز ملک آنجا عوض ستد با ناز
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۳)

این ایثار آن حضرت در جای دیگری از حدیقه الحقیقه نیز آمده است (همان: ۱۲۷-۱۲۸).

از مصادیق جود و بخشش علی (ع)، نزول هفده آیه (انسان: ۲۲-۵) در شأن آن حضرت است. آورده‌اند که خانواده آن حضرت سه شب متوالی افطار خود را به ترتیب به مسکین، یتیم و اسیری بخشیدند و هر سه شب، با آب افطار کردند (امینی، ۱۳۷۱: ۶۵/۴). خداوند در خصوص این بخشش علی (ع) می‌فرماید: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً» (انسان: ۸). سنایی به این انفاق بی نظیر علی (ع) هم در حدیقه الحقیقه و هم در دیوان خود، با بیانی زیبا و دلنشین اشاره می‌کند:

از پی سائلی به یک دو رغیف
سورت هل اُتی وُرا تشریف
(سنایی، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

گرچه شمشیر حیدر کرار
کافران کشت و قلعه‌ها بگشاد
تا سه تا نان نداد در حق او
هفده آیت خدای نفرستاد
(همان: ۶۱۴)

۲-۲. نسبت داشتن با پیامبر اکرم (ص)

شریف‌ترین نسب آن است که آدمی خود را به رسول خدا (ص) منتسب کند؛ بی‌تردید علی (ع) نزدیک‌ترین شخص به آن حضرت است. به باور سنایی، حضرت مصطفی (ص) از دامادی علی (ع) و حضرت فاطمه (س) نیز از ازدواج با علی (ع) چشم‌روشن و شاد بودند. همچنین علی (ع) به قدری به نبی اکرم (ص) مقرب بود که به مقام محرمیت و رازداری ایشان رسیده بود:

مصطفی چشم‌روشن از رویش
شاد زهرا چو گشت وی شویش
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

رازدار خدای پیغمبر
رازدار پیامبرش حیدر
(همان: ۲۴۹)

سنایی در بیتی برای بیان اوج ارادت علی (ع) به نبی اکرم (ص) و دوستی آنان، هدف از حضور علی (ع) در دنیای دنی را خدمت به پیامبر اکرم (ص) می‌داند:

در ره خدمت رسول خدای
اندرین کارگاه دیونمای
(همان: ۲۵۱)

علی (ع) از همان کودکی تحت پرورش و تربیت پیامبر اعظم (ص) قرار گرفت و همین بس که پیامبر اکرم (ص) به علی (ص) می‌فرمودند: «شاگرد من، تو آنها که من می‌شنوم، می‌شنوی و آنها که من می‌بینم، می‌بینی؛ ولی تو پیامبر نیستی» (شریف‌رضی،

۱۳۷۲: ۲۲۲-۲۲۳) و «من تربیت یافته خدا هستم و علی (ع) تربیت یافته من است» (اربلی، ۱۳۸۱: ۸۲/۱). سنایی در ابیات زیر این اشارات را آورده است:

نه به هنگام کودکی پدرش	برد نزدیک صاحب خبرش
مهتر انگشت بر دهان آورد	قطره آب بر زبان آورد
سرانگشت خویش را تر کرد	آن گهی در دهان حیدر کرد
داد مردی و علم و حفظ سخن	سرانگشتش از بن ناخن

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۱-۲۵۲)

۳-۲. جانشینی پیامبر اکرم (ص)

از نص‌هایی که پس از نبی اکرم (ص) امارت و امامت را مسلم از آن امام علی (ع) می‌داند، حدیث غدیر است. پیامبر اکرم (ص) روز غدیر خم، پس از بازگشت از حجة الوداع مردم را جمع کرد و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصِرْ مَنْ نصره و اخذل من خذله» (امینی، ۱۳۷۱: ۹/۱) و به این طریق امامت علی (ع) را بعد از خود به نص اعلام کرد. سنایی بارها با استدلال به همین خبر، بر حق مسلم علی (ع) در جانشینی پیامبر اکرم (ص) تأکید می‌کند:

بهر او گفته مصطفی به اله کای خداوند «وال من والاه»

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۹)

نایب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع مر ورا به امیر

(همان: ۲۴۷)

۴-۲. راسخ بودن در علم

طبق فرموده امام صادق (ع)، علی (ع) و امامان پس از او راسخ در علم هستند (کلینی رازی، ۱۳۸۹: ۵۷۸/۱-۵۷۹). سنایی هم‌نوا با یزدان‌دوستان، حضرت علی (ع) را راسخ در علم می‌داند و می‌گوید:

هرکه تن دشمن است و یزدان دوست داند الراسخون فی العلم اوست

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۹)

به اعتقاد شیعه، راسخ در علم معصوم است؛ اما غالب اشاعره و معتزله بر این اعتقادند که هر کس دین و شریعت را بشناسد و عقیف و صادق باشد، راسخ در علم است (کلینی رازی، ۱۳۷۰: ۱۶۲).

۵-۲. داشتن منزلتِ هارون

به موجب حدیث نبوی «یا علی أنت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانبی بعدی» (مسلم نیشابوری، ۱۹۹۵: ۱۴۹۰/۴)، علی (ع) برای پیامبر اکرم (ص) به منزلت هارون برای حضرت موسی (ع) بود. سنایی در ابیاتی این مضمون را چنین بیان می‌کند:

مرتضایی که کرد یزدانش	همره جان مصطفی جانش
هر دو یک قبله و خردشان دو	هر دو یک روح و کالبدشان دو
دو رونده چو اختر و گردون	دو برادر چو موسی و هارون

(سنایی، ۱۳۸۲: ۸۲)

او چو موسی علی ورا هارون هر دو یکرنگ از درون و برون

(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

بنابراین سنایی راه امام معصوم را ادامه و تداوم راه پیامبر اکرم (ص) می‌داند.

۶-۲. اعجاز

سنایی علی (ع) را همچون پیامبر اکرم (ص) محل نزول وحی معرفی می‌کند:

مُحرم او بوده کعبه جان را محرم او بوده سرّ یزدان را

(همان: ۲۴۸)

در کتاب *شواهد ونبوه* آمده است که خداوند دو بار برای علی (ع) رد شمس کرد؛ یکی در عهد رسول خدا (ص) و به دعای ایشان برای نماز خواندن علی (ع) که به دلیل نزول وحی و تکیه پیامبر اکرم (ص) بر علی (ع) صورت گرفت و دیگری هم پس از وفات نبی اکرم (ص)، به دعای خود علی (ع) (جامی، ۱۴۳۱: ۲۲۰-۲۲۱). سنایی به این امر

خارق‌العاده و شگفت‌انگیز که دلیل دیگری بر افضل بودن حضرت علی (ع) بر دیگران است، در بیت زیر اشاره کرده است:

قوّت حسرتش ز فوت نماز داشته چرخ را، ز گشتن باز
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

۷-۲. شجاعت

خوابیدن در بستر پیامبر اکرم (ص) در شب هجرت و فتوحات متعدد مربوط به غزواتی نظیر أُحُد، بدر، خندق و خیبر به دست حضرت علی (ع) از فداکاری‌هایی‌اند که شجاعت و دلاوری‌های وی را حکایت می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که اگر حضرت در یکی از این وقایع حضور نداشت، اسلام و اسلامیان در معرض خطر قرار می‌گرفتند (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۷). سنایی علی (ع) را از قوی‌ترین و شجاع‌ترین مردم می‌داند؛ به‌گونه‌ای که هنگام نبرد، سرهای شجاعان را همچون نوک قلم، قلم می‌کند و فخر از آنان می‌رباید و آرام و خواب از آنان می‌گیرد:

فخر از آل صخر بر بوده رستخیزی به‌نقد بنموده
خواب و آرام مره و عتتر کرده در مغز عقل زیر و زبر
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

از زره بود پشت حیدر فرد کرد خصمش سؤال، گفتا مرد
تا بود روی با زره باشد چون دهد پشت کشته به باشد
(همان: ۱۶۴)

در صف رزم پای او محکم وز پی رمز جان او محرم
زور او بت‌شکن ز روز ازل دست او تیغ‌زن بر اوج زحل
(همان: ۸۱)

سنایی گاهی دو صفت کمالی را در وجود شریف علی (ع) جمع می‌کند. شاعر در مصراع دوم بیت زیر از حدیقه الحقیقه، آن حضرت را هم در علم و دانش و هم در شجاعت و دلیری در حد کمال معرفی می‌کند:

شرف چرخ تیزگرد او بود در حدیث و حدید مرد او بود
(همان: ۲۴۵)

در جایی دیگر نیز بیان می‌کند که علی (ع) شجاعت و سخاوت را توأم دارد:

کرده در عقد دین به تیغ و قلم با سخاوت شجاعت اندر هم
(همان: ۸۱)

سنایی به این نکته نیز اشاره می‌کند که شجاعت حضرت علی (ع) در خدمت هوی و هوس و نفس او نیست، بلکه در خدمت ایمان آن حضرت و در راه یاری دین و حق است.

۸-۲ علم

از اوصاف و ویژگی‌های برازنده جانشین پیامبر اکرم (ص)، علم و آگاهی است؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کس را جز نبی اکرم (ص) و امامان معصوم، یاری رسیدن به افکار بلند و اوج معرفت و اسرار وجود وی نباشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۲۴/۱). سنایی همچون بیشتر مسلمانان، علی (ع) را به دلایلی، نظیر حدیث مشهور نبوی (ص) «أنا مدیة العلم و علی بابها فمن أراد العلم فلیأتها من بابها» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۱: ۱۹۵)، اعلم صحابه و چشمه جوشان علم معرفی می‌کند:

او مدینه علوم و باب علی او خدا را نبی علیش ولی
(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۹۸)

خواننده در دین و ملک مختارش هم در علم و هم علمدارش
(همان: ۲۴۸)

علم او را که صخره کردی موم بوده چون محرم و عرب محروم
بحر علم اندرو بجوشیده چاه ره به ز مستمع دیده

(همان: ۸۲-۸۱)

سنایی ضمن اشاره به نامه علی (ع) به کارگزارش، سهل بن حنیف (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۳۵۴-۳۵۵)، منشأ تمام علوم علی (ع) را سرانگشت مصطفی (ص) می‌داند:

هر یکی لفظ کو ادا کرده‌ست سر انگشت مصطفی کرده‌ست
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

آن گلفشان گلستان تغرید گفت: «علم من از علم پیامبر است و علم پیامبر از علم جبرئیل و علم جبرئیل از علم حق است» (بقلی شیرازی، بی‌تا: ۳۷۲).

۹-۲. حلم

سنایی به موجب حدیث نبوی «ما جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِلْمٍ إِلَى حِلْمٍ» (سیوطی، ۱۴۰۱: ۴۹۳/۲)، هیچ ملازمتی را فاضل‌تر از ملازمت دو گوهر گران‌بهای علم و حلم در دل آدمی نمی‌داند و علمی را معتبر و باارزش می‌شمارد که قرین گوهر نفیس حلم باشد (سنایی، ۱۳۸۷: ۳۱۵-۳۱۶). وی در ابیاتی علی (ع) را جامع آن دو فضیلت می‌داند و وجه نام (علی) و کنیه ایشان (ابوتراب) را همان دو گوهر ارزشمند علم و حلم در وجود آن حضرت معرفی می‌کند:

چرخ را رهنمای حلم او بود شرع را کدخدای علم او بود
(سنایی، ۱۳۸۲: ۸۳)

نام او کرده در ولایت علم علی از علم و بوتراب از حلم
(سنایی، ۱۳۸۲: ۸۱-۸۲)

۱۰-۲. تقسیم بهشت و جهنم

ای علی، چون روز قیامت شود، تو را سوار بر مرکبی از نور می‌آورند... کلیدهای بهشت را به تو بدهند و بر تخت کرامت بنشانند؛ آن‌گاه تمام پیشینیان و پسینیان بر یک پهنا بر گرد تو جمع شوند و تو دستور می‌دهی که شیعیانت را به بهشت و دشمنانت را به دوزخ ببرد؛ چراکه تو قسمت‌کننده بهشت و دوزخ هستی. رستگار شد آن که ولایت

تو را پذیرفت و زیان کرد آن که دشمن تو شد. ای علی، تو در آن روز، امین خدا و حجت آشکار الهی هستی (صدوق، ۱۳۶۲: ۶۷۰).

سنایی ضمن اشاره به سخن فوق از نبی اکرم (ص)، علی (ع) را واردکننده دوستان به بهشت و واردکننده دشمنان به جهنم می‌داند:

مهر و کینش دلیل منبر و دار حلم و خشمش قسیم جنت و نار
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۳)

بدیهی است که این بیت، با مبنای قرآنی و حدیثی، بر یاری و دستگیری دوستان در دنیا و نیز شفاعت آنان در آخرت از سوی آن حضرت دلالت دارد.

۱۱-۲. قدرت و توانایی

اگر صفت توانایی و قدرت به ویژگی علم و دانش فردی ضمیمه شود، موجب می‌شوند که صاحبشان در رهبری و هدایت مردم موفق و کامیاب شود. همان‌گونه که طبق آیه شریفه ۵۵ سوره مبارکه یوسف، قرآن کریم دو صفت حفیظ و علیم را برای خزانه‌داری حضرت یوسف (ع) در مصر برمی‌شمارد (محدثی، ۱۳۹۲: ۱۸۴ / ۲). سنایی علاوه بر فضیلت علم و دانش، صفت مهم قدرت جسمی را نیز به علی (ع) نسبت می‌دهد تا شایستگی او را برای جانشینی پیامبر اکرم (ص) و اداره امور و رهبری امت اعلام کند؛ بر همین اساس، سنایی لطف علی (ع) را لطف پیامبر (ص) و زور و توانایی وی را همان زور و توان شیر خشمگین نر می‌خواند:

لطف او بود لطف پیغمبر عُنْف او بود شیر شزره نر
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

۱۲-۲. فصاحت و بلاغت

تردیدی نیست که سخنان علی (ع) نمونه فصاحت و بلاغت است. بسیاری از شارحان و نهج‌البلاغه‌شناسان، نظیر شریف رضی، ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، جورج جرداق، جاحظ، و محمد غزالی، محمد محیی‌الدین عبدالحمید و شیخ محمد عبده، سخنان علی (ع) را

جامع جمیع فصاحت و بلاغت، بلکه فوق بلاغت‌ها و زیبایی‌ها دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۹/۱-۳۷). سنایی دل علی (ع) را عالم معانی و لفظ او را آب حیات می‌داند. همچنین خامه او را زمزم لطف و نامه او را در حکم کعبه اهل فضل معرفی می‌کند، به طوری که تا روز قیامت، فصاحت و بلاغت به آن امام ختم است:

به فصاحت چو او سخن گفتی مستمع زان حدیث در سفتی
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

دل او عالم معانی بود لفظ او آب زندگانی بود
(همان: ۲۵۵)

زمزم لطف آب خامه او است کعبه اهل فضل نامه اوست
خامه او چو یار شد با دست سمط لؤلؤ ز یک نقط پیوست
(همان: ۲۵۱)

کرده از لعل و در کرامت را پر گهر دامن قیامت را
کرده از بهر جان اهل هنر درج در یک سخن دو درج گهر
(همان: ۲۴۸)

۳. اوصاف اخلاقی

۳-۱. امانتداری

بر اساس دو آیه شریفه «قد أفلح المؤمنون» و «والذین هم لأمانتهم و عهدهم راعون» (مؤمنون: ۱ و ۸)، مؤمنانی که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت می‌کنند، رستگارانند. سنایی ویژگی امانتداری و نیز رعایت عهد و پیمان علی (ع) را از زبان امام حسن (ع) چنین آورده است:

جد من مصطفی امان زمان پدرم مرتضی امین جهان
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۶۴)

۲-۳. قناعت و ساده‌زیستی

هر امامی که حکومت را در دست می‌گرفت، ساده‌زیستی پیشه می‌کرد؛ ولی وقتی به دور از حکومت به سر می‌برد، گاهی راه و روش ساده‌زیستی و گاه نیز روش متوسط را در زندگی برمی‌گزید (عبدوس، اشتهاودی، ۱۳۸۴: ۴۴۴). از منظر سنایی، علی (ع) از اینکه مبادا دچار حرص و طمع شود و در راه کسب مال بیشتر گام بردارد، به قناعت و ساده‌زیستی روی می‌آورد:

بر قلیلی ز قوت قانع بود ترس بر حرص و جهد مانع بود
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۴)

۳-۳. دوری از آز و طمع

علی (ع)، چه هنگامی که در رأس حکومت بود و چه زمانی که از آن کناره گرفته بود، از رذیلت‌های طمع و تکبر کاملاً دوری می‌کرد. او می‌فرمود: «أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ» (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۳۹۸) و هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد عقلش تحت تأثیر برق حرص و طمع قرار گیرد. سنایی به شکلی هنرمندانه و مؤثر آز و کبر را در حکم آتشی می‌داند که علی (ع) خود را از آسیب و بلای آنها محفوظ نگه داشت. همچنین معتقد است که ایمان و یقین قلبی آن حضرت ایجاب می‌کرد که هم از آز و کبر و هم با کفر بستیزد:

دور کرد آز و کبر ناخوش را سیر کرد آن دو گونه آتش را
(سنایی، ۱۳۸۲: ۸۵)

چون نه از خشم بود، از ایمان بود آز و کافرکشی‌ش یکسان بود
(همان: ۸۰)

۴-۳. فرو خوردن خشم

حلم و فرو خوردن خشم ضد غضبند و مانع از ظهور آثار غضب می‌شوند (نراقی، ۱۳۹۱: ۲۴۸). طبق آیه شریفه «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»

(آل عمران: ۱۳۴)، کسی که خشمش را فرو بخورد، به پاداش بزرگ عزت الهی می‌رسد. در حدیقه الحقیقه به ابیاتی برمی‌خوریم که بر فضیلت کظم غیظ، گذشت و عفو علی (ع) در عین قدرت در نبرد با دشمنان دین دلالت دارند و نشان می‌دهند که آن حضرت در میدان جنگ و جهاد، کسی را به سبب خشم و کینه شخصی نمی‌کشت؛ همان‌گونه که این موضوع در دفتر اول مثنوی معنوی با عنوان «جواب گفتن امیرالمؤمنین که سبب افکندن شمشیر از دست چه بود ...» (شهیدی، ۱۳۷۳: ۲۴۰/۴-۲۴۲) مذکور است. حضرت خشم، حلم و مهرش را به امر خدا و پیامبر اکرم (ص) در جایگاه خود به کار می‌برد:

هرگز از خشم هیچ سر نبرید جز به فرمان حسام برنکشید
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

تیغ خشمش منیر بود منیر بحر علمش غدیر بود غدیر
چون نمود او به دشمنان دندان تنگ شد بر عدو جهان چو دهان ...
خشم با رای خویش یار نکرد جز به دستوری ایچ کار نکرد
(همان: ۲۵۳)

علی (ع) در برخی از جنگ‌ها، نظیر صفین، جنگ را به تأخیر می‌انداخت و فرمان نبرد صادر نمی‌کرد تا کار با مذاکره و صلح سروسامان یابد و عده‌ای از دشمنان هدایت یابند و به سوی آن حضرت بشتابند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸: ۱۳/۴). این درایت و موضع حق‌طلبانه، انسان‌دوستانه و صلح‌جویانه زاییده شجاعت بی‌نظیر امام علی (ع) است. سنایی به این جلوه‌های شجاعت و ارزش‌های علوی چنین اشاره می‌کند:

دل و بازوش از او ندیده به چشم دست‌بردی به پای مردی خشم
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۶)

همان‌گونه که علی (ع) در جنگ جمل در عین قدرت، حلم را به کار می‌بندد و از مخالفان و منافقان درمی‌گذرد:

حلم را کار بست روز جمل عفو کرد از عدو خلاف و جدل
(همان: ۲۵۲)

۳-۵. اعتدال و میانه‌روی

بر اساس آیه شریفه «و کذلک جَعَلْنَاکُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیکُمْ شَهِیدًا» (بقره: ۱۴۳)، اعتدال و میانه‌روی از فرهنگ و اوصاف شیعه محسوب می‌شود. امام علی (ع) با عمق فهم و درک ژرف از علم دین، حتی هنگامی که در رأس هرم قدرت قرار داشت، هیچ‌گاه به خشونت و زور متوسل نشد و همواره میانه‌روی و اعتدال را سرلوحه امور خود قرار داد. سنایی اعتدال و میانه‌روی علی (ع) در برپا داشتن دین و شریعت الهی را چنین به نظم می‌کشد:

با کسی علم دین نگفت اُستاخ زان که دل تنگ دید و علم فراخ
سائلان را به آشکار و نهفت جز به اندازه سرّ شرع نگفت

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۵۱)

از ابیات سنایی برمی‌آید که آن حضرت با رعایت اعتدال در تبلیغ دین و توحید، در حکم تکیه‌گاه میانه‌ای بود که هم افراد تندرو به سوی او باز می‌آمدند و هم افراد کندرو به ایشان می‌پیوستند.

۴. چهره عرفانی علی (ع)

۴-۱. اهمیت شب

شب برای عارفان معنای متفاوتی دارد. شب موضع سیر، مقام انس، مناجات، مسامره و معراج است (بقلی، ۱۴۲۶: ۲۵۰). به باور عارفان، قیام در شب و انجام اعمال عبادی و گریه و زاری شبانه، به همراه اعمالی همچون خواندن قرآن، شکم را خالی نگاه داشتن، تضرع در سحرگاه و هم‌نشینی با نیکان داروی پنج‌گانه دل را تشکیل می‌دهند (عطّار، ۱۳۸۴: ۵۳۱). از نبی اکرم (ص) منقول است که چشمی که از ترس خدا بگرید و به دور از محرّمات شب‌زنده‌داری کند، در روز قیامت گریان نخواهد بود (متقی هندی، ۱۳۹۷: ۵۷۵/۴). در حدیقه الحقیقه گاهی چهره عرفانی علی (ع) را می‌بینیم. سنایی در ابیاتی سخنانی از آن حضرت مبنی بر برتری شب بر روز را — در پاسخ به شخص کاهلی که نویسنده از اسرار شب نبرده بود — را این‌گونه بیان می‌کند:

عاشقان را در این ره جان‌سوز تپش راز به که تابش روز
هر که دارد ره تبش در دل درنماند پیاده در منزل
در جهانی که عشق گوید راز نه تو مانی نه نیز عقل تو باز
(سنایی، ۱۳۸۷: ۱۰۸-۱۰۹)

۲-۴. زهدورزی علی (ع)

دوری گزیدن از دنیا از فضایل علی (ع) به‌شمار می‌رود. سنایی با توجه به زهد و بی‌تعلقی علی (ع) به دنیا با وجود روی آوردن دنیا به آن حضرت، می‌گوید:

او نبود آن اسد که رنگ خلوق کردی او را در این کهن صندوق
چرخ پیری و خاک رهگذرش عقل زالی و عاشق نظرش
او ز بهر کمال بی‌بندی وز برای جمال خرسندی
خواننده بر گنده پیری و میری سه طلاق و چهار تکبیری
کودک از زرد و سرخ نشکبید مرد را زرد و سرخ نفریبید
(همان: ۲۵۴)

دیگری را فریب ای رعنا نیستی تو سزا و درخور ما
ننگرم من سوی دوال شما نشوم نیز در جوال شما
(همان: ۲۵۲)

وی در مکاتیب خود نیز گوید: «کسی که این گنده پیر کبود چادر را — و آن دنیا است — حیدروار سه طلاق پاک بر گوشه چادر بسته باشد...» (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۱۲). سه طلاقه کردن دنیا به این فرمایش حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اشاره دارد:

ای دنیا، از من دور شو؛ با خودنمایی فرا راه من آمده‌ای یا شیفته‌ام شده‌ای؟ مبادا که تو در دل من جای گیری. هرگز؛ جز مرا بفریب، مرا به تو چه نیازی است؟ من تو را سه بار طلاق گفته‌ام و بازگشتی در آن نیست (شریف رضی، ۱۳۷۲: ۳۷۲).

سنایی در حدیقه الحقیقه ضمن اشاره به دشمن تراشی مال و ثروت، بی‌میلی علی

هرگز از بهر بدره و برده خلق را خصم خویش ناکرده
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

شاعر تأسف می‌خورد که در روزگار او کسی نیست که همچون حیدر کاملاً ترک
دنیا گوید. او دلیل آن را دین‌داری و دین‌مداری آن حضرت می‌داند:
حیدری نیست اندرین آفاق دهد این گنده پیر را سه طلاق
در جهان حیدران اگرچه بس‌اند در ره دین به گرد او نرسند
(همان: ۴۷۰)

۳-۴. رسیدن به حقیقت

علی (ع) از افرادی است که به عمق حقیقت رسیده و به روح یقین متصل شده است؛
چون علم از باطن به ایشان روی آورده و علم این‌گونه افراد نامتغیر و نسخ‌ناشدنی
است. سنایی ضمن اشاره به «لو كشف الغطاء ما زددتُ یقیناً» (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۷۰/۱)، همین
معانی را در ابیاتی از *حدیقه الحقیقه* آورده است:

صدف صدهزار بحر دلش شرف صدهزار عرش گلش
این برهنه شده ز زحمت ظرف وان برون آمده ز پرده حرف
تا بدان حد شده مکرم بود «لو کُشف» مر ورا مسلم بود
(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۹)

۵. ستایش خلفا و امهات المؤمنین

سنایی درباره خلفا و امهات المؤمنین نیز نظر مساعدی دارد که گویای احترام وی به
خلفای پیش از علی (ع) است. آیا این احترام با وجود هواداری خالصانه از علی (ع)،
ناشی از اقتضای روزگار سنایی است؟ اگرچه این امر انتساب قطعی سنایی به تشیع را
اندکی دشوار می‌سازد، مسلم است که سنایی امام علی (ع) را عالم‌ترین و فاضل‌ترین
فرد، جزو اهل بیت پیامبر (ص) و نیز برگزیده خدا و نبی می‌داند. در ادامه برخی از
مدح‌های سنایی درباره سه خلیفه نخست را می‌آوریم.

۱-۵. ستایش ابوبکر

سنایی در بیت‌هایی وفاداری ابوبکر به پیامبر اکرم (ص) و یک‌جهتی‌اش با او (با اشاره به آیه ۴۰ سوره توبه)، صداقت، دلسوزی، آزادی وی از مرگ و نیز انفاق چهل هزار دینار در راه خدا (با اشاره به آیه «من ذالذی یقرض الله» (حدید: ۱۱) را مطرح کرده است:

در سرای سرور مونس و یار	ثانی اثین اذ هما فی الغار
از زبان صادق و ز جان صدیق	چون نبی مشفق و چو کعبه عتیق
حکم من ذالذی شنیده به گوش	زده در پیش حکم خانه فروش
در یکی دفعه گاه ایثارش	داده وی چل هزار دینارش

(سنایی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

۲-۵. ستایش عمر

سنایی در ابیاتی عمر را کانِ اسلام، زینت ایمان، صادق العقل، معدنِ عدل، حق‌گو و حق‌طلب و طردکننده شیطان معرفی می‌کند:

کان اسلام و زین ایمان بود	صدق او عقل و عدل را کان بود
شاهد حق روانش در خفتن	نایب حق زبانش در گفتن
از پی دیو در زمانه او	سایه او سلاح خانه او

(همان: ۲۳۵)

دست شسته ز حضرتش تلبیس	کوچ کرده ز کوی او ابلیس
------------------------	-------------------------

(همان: ۲۳۶)

۳-۵. ستایش عثمان

سنایی در ابیات زیر به ایمان، حیا و انفاق عثمان اشاره کرده است:

عین ایمان که بود جز عثمان؟	حجت این کالهیاء من الایمان
مدد از خلق جشنِ عشرت را	عدت از مال جیشِ عُسرت را

(همان: ۲۴۱)

۵-۴. ستایش اُمّهات مؤمنین

سنایی در اشعاری ضمن یادکرد زنان پیامبر اکرم (ص)، همه آنان را مادران مسلمانان می‌داند:

عایشه به بود ز خواهر او	خال ما به بود برادر او
حفصه و زینب و دویم زینب	آن که او را خزیمه بودش اب
باز میمونه بود و ریحانه	که شد آراسته بدو خانه
چون فتادی به دخت بوسفیان	که ازو گشت خاندان ویران
این همه جفت مصطفی بودند	جملگی مادران ما بودند

(همان: ۲۶۱)

نتیجه‌گیری

طبق افکار سنایی در *حدیقه الحقیقه*، حضرت علی (ع)، این دست‌پرورده پیامبر اکرم (ص)، انسانی دو بُعدی است؛ به این معنا که هم مرد جهاد و مبارزه برای بهتر زیستن است — چنانکه پیوسته در میدان پیکار با دشمنان و منافقان و صحنه تعلیم و مباحثه‌های علمی و تحقیق است — و هم مردی است متقی، امانت‌دار، پاک‌دامن و در پی استقرار عدالت، اندیشه بزرگ و عشق به بشریت.

اگر شخصیت‌های بزرگ و برجسته مکتب‌ها و مذهب‌های مختلف را با انصاف و دقت بررسی کنیم و برتری‌ها و کمال‌های آنان را بشناسیم، عظمت‌ها و فضایل حضرت علی (ع) در ذهنمان تداعی می‌شود و ضمن دریافت برتری‌ها و کمالات آن حضرت، اقرار می‌کنیم که «آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری». می‌توان گفت که امام علی (ع) مظهر و مظهر حقیقت مذهب، چشمه روشن عبادت، نشانه‌اعلای خشوع و فروتنی و عشق و محبت به حق تعالی است. از این رو هر کس به آن حضرت و خاندانش عشق بورزد و از دشمنانش بیزاری جوید، بهشت برین و نیز بهشت رضایت الهی را به دست می‌آورد.

از آنجا که سنایی یک عارف است، از ارائه چهره عرفانی علی (ع) غافل نمی‌ماند و

با استفاده از نگرش عمیق و هنری خود، با طرح برتری شب بر روز از زبان آن

حضرت، اشاره به زندگی زهدآمیز ایشان با وجود توانایی بر مرفه زیستن و نیز بیان اتصال آن حضرت به روح یقین توانسته است چهره عرفانی، فضایل و هنرهای عرفانی و ماورای ظاهر علی (ع) را نشان دهد.

سنایی با توجه به اوصاف و مناقب دینی، اخلاقی و عرفانی که برای علی (ع) برشمرده، یک مرید، پیرو و دوستدار حقیقی علی (ع) است، به گونه‌ای که آن حضرت را، برخلاف مخالفان و منافقان، با دلایل عقلی و نقلی جانشین راستین نبی اکرم (ص) می‌داند و حلقه‌های نبوت و امامت را به هم پیوند می‌زند. همچنین سعی می‌کند تمام مخاطبانش را برای پیروی از امام علی (ع) پس از نبی اکرم (ص) تشویق کند تا به پیروی و تأسی از علی (ع) به سعادت دنیوی و اخروی نائل شوند.

با وجود اینکه سنایی علی (ع) را پس از سه خلیفه اول می‌ستاید، از نظر انتساب آن حضرت به نبی اکرم (ص) و نیز به واسطه داشتن خصوصیات خارق‌العاده و برجسته، ستایش و ذکر منقبت‌های ایشان را واجب‌تر و شایسته‌تر از خلفای قبل می‌داند.

منابع

- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و دررالحکم*، قم: دارالکتاب الاسلامی، چ ۲.
- ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۳۷۸ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، چ ۱.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۱)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: توحید.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمه*، تبریز: مکتبه بنی‌هاشم.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۱)، *الغدیر*، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- بقلی شیرازی، روزبهان (بی‌تا)، *شرح شطحیات*، تصحیح هنری کرین، کتابخانه طهوری.
- بقلی شیرازی، روزبهان (۱۴۲۶ق)، *مشرّب الارواح*، ضبط و تصحیح و تعلیق از عاصم ابراهیم کیالی، بیروت: دارالکتاب العلمیه، چ ۱.
- جامی، عبدالرحمن (۱۴۳۱ق)، *شواهد النبوه*، استانبول: مکتبه الحقیقه.
- حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۷۹)، *تجلی شخصیت علی (ع)*، فاطمه (س)، حسین (ع) در شعر فارسی (از رودکی تا حافظ)، تهران: نشر ارمغان، چ ۲.
- حسینی مرعشی، میرمحمدباقر (۱۴۰۵ق)، *الروائح السماویه*، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی، چ ۱.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۰۵ق)، *کتاب الالفین*، کویت: مکتبه الالفین.
- سلطان محمدی، حسین، سلطان محمدی، فاطمه (۱۳۹۱)، «تیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) در نهج البلاغه»، *پژوهشنامه علوی*، شماره اول سال سوم، ص ۹۱-۱۱۶.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۶۲)، *مکاتیب سنایی*، به اهتمام و تصحیح و حواشی نذیر احمد، تهران: انتشارات کتاب فرزاد، چ ۱.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۰)، *دیوان سنایی*، تهران: انتشارات سنایی، چ ۵.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۲)، *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، تصحیح و مقدمه مریم حسینی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ ۱.
- سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۷)، *حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه*، به کوشش مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۷.
- سیاحی، صادق، منصورینیا، سعیده (۱۳۹۱)، «فضایل حضرت علی (ع) در قصیده لامیه ابن‌عباد»، *پژوهشنامه علوی*، شماره اول سال سوم، ص ۱۱۷-۱۳۸.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۱ق)، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت: دارالفکر.
- شرفی رزقی (۱۳۷۲)، *نهج البلاغه*، ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ ۴.

- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۳)، شرح مثنوی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۶۲)، *مالی*، به قلم آیت الله کمره‌ای، تهران: کتابخانه اسلامی.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوس، چ ۲.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۳)، *شیعه در اسلام*، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱۷.
- عبدوس، محمدتقی، اشتهازدی، محمد مهدی (۱۳۸۴)، *آموزه‌های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه*، قم: بوستان کتاب، چ ۲.
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۴)، *تذکره الاولیاء*، بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهرست‌ها از محمد استعلامی، تهران: زوار، چ ۱۵.
- فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۷۰)، *احادیث مثنوی*، تهران: امیرکبیر، چ ۵.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۰)، *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، انتشارات أسوه، چ ۱.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹)، *اصول کافی*، ترجمه و شرح سیدمهدی آیت‌اللهی، انتشارات جهان‌آرا، چ ۳.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۳۹۷ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، چ ۱.
- محدثی، جواد (۱۳۹۲)، *درس‌هایی از نهج‌البلاغه*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، *سیری در نهج‌البلاغه*، قم: انتشارات صدرا، چ ۳۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، *پیام امام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۹)، *فیه ما فیه*، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر، چ ۶.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۹۱)، *معراج السعاده*، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - به‌نشر، چ ۱.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد بن حسن (۱۳۳۵)، *رساله امامت*، به کوشش محمدتقی روشن‌پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.